

اصول بازجویی کیفری جرایم امنیتی

جعفر صاحبان احمدی^۱

مسعود حیدری^۲

چکیده

نقطه عطف مراتب گذار کیس‌های امنیتی، مرحله بازجویی است و این مهم به عنوان مرکز ثقل تجمیع داده‌های اطلاعاتی پرونده و نیل به اتخاذ تصمیمات قضایی حائز اهمیت می‌باشد؛ چه آنکه در صورت عدم عنایت خاصه به طی‌الطریق تقنینی، کارکرد غایی سازمان‌های امنیتی علی‌رغم اهتمام زایدالوصف، ابتر مانده و موجبات بروز مشکلات درون و برون سازمانی از جمله بی‌انگیزگی پرسنل به تحت پیگرد قرار دادن کیس‌ها و نیز تجری متهمین و تخدیش امنیت جامعه را در پی دارد. هدف از پژوهش حاضر ترسیم هندسه مطلوب اصول و قواعد مقبول قانون‌گذار در راستای تمتع تبدیل فعالیت‌های اطلاعاتی به ارکان پذیرش کیفری است. سؤال اصلی تحقیق عبارتست از این که اصول بازجویی کیفری جرایم امنیتی مورد پذیرش در جمهوری اسلامی ایران چگونه باید باشد؟ این مقاله از نوع تجویزی است که با اتکال بر مطالعات کتابخانه‌ای و بالتبع تدوین داده‌ها به شیوه‌ای استدلالی، موضوع نوشتار را مورد واکاوی قرار داده است. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت اصول بازجویی کیفری جرایم امنیتی دایر مدار بر اتیان صحیح اصول شکلی و تنقیح انفکاک‌ی صور نوعی تفهیم اتهام استدراجی ماهوی این دسته از جرایم استوار است که می‌تواند نقش بسزایی در اتقان مستندات پرونده و تثبیت علم قاضی ایجاد نماید.

کلید واژه‌ها

بازجویی، تحقیقات مقدماتی، جرایم امنیتی، دادرسی کیفری

khbatkhaiaat@yahoo.com
masoud-heidari2@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)
۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، نویسنده مسئول

جستار گشایی

یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین خواسته‌های جوامع بشری، برقراری امنیت و آسایش عمومی از سوی نهادهای حاکمیتی است. اصولاً میزان امنیت و آسایش عمومی در جوامع به قوای حاکم برمی‌گردد که در سایه آن زمینه رشد و ارتقای سطح زندگی اجتماعی و فردی افراد فراهم می‌شود (الهی منش و مرادی، ۱۳۹۳: ۶۳). مع‌الوصف باعنایت به جایگاه خاص جرایم امنیتی مستفاد از ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران مرجع قضایی اختصاصی دادگاه انقلاب را صالح به رسیدگی جرایم موصوف دانسته و در این اثنا وفق قانون اخیرالذکر و سایر قوانین بالادستی سازمان‌های اطلاعاتی در قالب قوانین محصوره به عنوان ضابط خاص رسیدگی این دسته از بزهکاری‌ها قرار گرفته است. در میان اقدامات متنوعی که ضابط دادگستری در تحقیقات مقدماتی انجام می‌دهد؛ بازجویی از متهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا بازجویی مرکز ثقل تحقیقات مقدماتی است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۴: ۳۰۷). بی‌تردید این جمله مورد اتفاق همه کارشناسان اقدامات اطلاعاتی است که بازجویی می‌تواند، آغاز کار اطلاعاتی قلمداد شود. تک نویسی گرفتن از متهم در حد وسیع و عمیق در این مرحله انجام می‌شود که منجر به کشف سرنخ‌های فراوان دیگری می‌گردد (قانع، ۱۳۹۷: ۳۵). در واقع اولین برخورد و شاید اساسی‌ترین برخورد حقوق کیفری با واقعیت اجتماعی جرم در این مرحله از فرایند جنایی روی می‌دهد. تمام آموزه‌های حقوق کیفری در خصوص هندسه جزایی عمل ارتكابی در عنصر قانونی، مادی و معنوی جرم در این مرحله شکل می‌گیرد. این تأثیرگذاری که ناشی از برخورد ابتدایی عمل ارتكابی با فرایند دادرسی قضایی است؛ گاه از نگاه اهل قلم و عمل مغفول مانده است؛ فلذا محقق براین باور است که با تتبع در مراحل بازجویی کیفری و رسیدن به یک مدل مطلوب مبتنی بر اصول حقوق کیفری در بازجویی کمک شایانی به عدالت کیفری در سایه نظام قضایی و النهایه امنیت ملی را به دنبال خواهد داشت.

در تشریح ابعاد مسئله ابتدا لازم است تا از جهت سنخ و گونه‌شناسی^۱ موضوع بحث را واکاوی نمود تا بتوان گفت ابعاد مسئله ما به لحاظ علمی در کدام دانش قرار دارد و راهکار مورد نظر از جنس کدام علم است؛ مبحث ما بازجویی در جرایم امنیتی^۲ است فلذا جنس آن؛ از آنجایی که در غایت در پی کشف اصول حقوقی حاکم بر بازجویی می‌باشد، لاجرم حقوقی تلقی می‌شود؛ جنس راهکار و پاسخ ما حقوقی خواهد بود و طبیعتاً با امعان نظر به اینکه بازجویی جزئی از فرایند کیفری و تحقیقات مقدماتی^۳ می‌باشد جنس مسئله از حقوق کیفری و دادرسی جزایی خواهد بود (Harris, 1989: 113) اما یقیناً نباید فراموش کرد که امر بازجویی یک ماهیت فنی و امنیتی و

۱. Typology (سنخ یا گونه‌شناسی): نوعی نظام تفکیک دانشی در مسائل علوم انسانی اجتماعی تلقی می‌شود در حقیقت سنخ‌شناسی به ما می‌گوید که مسئله مورد نظر ما در کدام دانش اجتماعی و انسانی قرار می‌گیرد و یا اینکه با توجه به ذات مسئله، چنانچه مسئله میان رشته‌ای باشد هندسه علمی زوایای دانشی موضوع را مورد بحث قرار می‌دهد.

2. Offences Against The Security Of State

3. Preliminary Investigations

انتظامی تلقی می‌شود و دانش‌های امنیتی، ماهیت اخذ اطلاعات از مورد موضوع مطالعه را به لحاظ دانش ارتباط و تعامل و اقتدار بررسی می‌کند. توجه به اینکه نگارنده می‌کوشد تا مدل مطلوبی در تبدیل شواهد اطلاعاتی برای استفاده قضایی و کیفری کشف نماید نیز مؤید آن است که یک بُعد مسئله در دانش اطلاعاتی و امنیتی خواهد بود. البته ناگفته نماند که دانش اخیرالذکر خود علم ذاتی مقوم نیست بلکه یک دانش برساخته تلقی می‌شود؛ بدین معنا که آموزه‌های متراکم در دانش بازجویی امنیتی در علومی همچون روان‌شناسی بزهکاری، ارتباطات اجتماعی، فنی و ... متبلور می‌باشد. حالیه در تحقیقاتی که موضوعات استراتژیک و کاربردی مانند موضوع فوق را دنبال می‌نماید بایستی نگاه بین رشته‌ای^۱ حاکم باشد (خرسندی طاسکوه، ۱۳۸۸: ۶۳) با این روش^۲ می‌توان مفاهیم چندوجهی را به خوبی مطالعه و تنقیح نمود؛ لذا ضمن ترسیم ابعاد دانشی و وجوه مختلف موضوع، خود را محدود در استفاده از یک شاخه علمی نخواهیم نمود و از همه مرزهای علوم ذی‌مدخل بهره خواهیم برد.

بی‌تردید محدود مسئله بازجویی کیفری در جرایم امنیتی، محدود به مرحله تحقیقات مقدماتی در فرایند کیفری جرایم امنیتی است. گرچه آثار این مرحله حساس را می‌توان در همه مراحل رسیدگی کیفری مشاهده نمود و تقریباً اساسی‌ترین مرحله در تحقیقات مقدماتی تلقی می‌شود (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۴: ۳۰۱).

در اهمیت و ضرورت پژوهش ذکر این نکته حائز اهمیت است که بی‌شک بنیادی‌ترین تحولات در دانش حقوق از حقوق کیفری و در اعتراض به شیوه دادرسی عادلانه آغاز شده است (Doyle William, 1989: 73). مطالعه تاریخ حقوق جزایی نیز نشان از این دارد که سیکل جنایی^۳ اساس و مادر مفهوم مورد مطالعه حقوق کیفری و بزنگاه تحولات اندیشه‌ای مکاتب حقوق جزا تلقی می‌گردد. در این فرایند، تحقیقات مقدماتی و بازجویی کیفری تقاطع واقع‌گرایانه همه نظام‌های هنجاری حقوق جزا را تشکیل می‌دهد. تاریخ اندیشه جزایی به خوبی نشان می‌دهد که اصول حقوق کیفری غالباً در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی کیفری شکل گرفته‌اند این مهم در ادبیات آزادی خواهان جهان که به تشکیل حکومت‌های دموکراتیک و اعلام اعلامیه‌های حقوق بشری منجر شده است به خوبی قابل مشاهده می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱). با عنایت به آنچه گذشت موضوع مفروض بین رشته‌ای است و از آنجایی که نقطه عطف این مقاله داده‌های اطلاعاتی می‌باشد؛ لاجرم به تتبع در این حوزه نیز نیازمندیم. پژوهش اطلاعاتی، فرایندی مسئله محور است و موضوع آن با یک مسئله یا دست کم با یک شکل آغاز می‌شود. پژوهش اطلاعاتی چیزی جز تلاش روشمند پژوهش‌گر برای حل مسئله نیست، پژوهش‌گر اطلاعاتی کسی است که با معظلی نظری یا عملی روبه‌رو می‌شود و برای حل آن پژوهش می‌کند (هدایتی، ۱۳۹۶: ۳۷) در ادامه با توجه به این که

1. Interdis Ciplinary

۲. میان رشته‌ای روشی نوین در مطالعات علوم انسانی تلقی می‌شود که از: تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله پیچیده و یا معضل اجتماعی چند وجهی بهره می‌برد.

3. Criminal Cycle

حد قابل توجهی از کیس‌های اطلاعاتی به سبب عدم دق حکمی و حکمی مراحل بازجویی کیفری به نتایج مطمح نظر سازمان‌های امنیتی نائل نمی‌گردد، نهایتاً تبعاتی را به دنبال خواهد داشت؛ فلذا بر لزوم تدقیق نظر بر این ابتنای می‌افزاید. باری یکی از اهداف حقوق کیفری، تأمین امنیت (فردی و اجتماعی) است تا جایی که برخی مکاتب حقوقی تنها همین وظیفه را، ذاتی حاکمیت و حقوق عمومی برای جامعه قلمداد نموده‌اند (آقایی، ۱۳۸۶: ۲۸۴) قوانین وضع می‌شوند تا امنیت فرد و جامعه را حفظ کنند اما در این میان، امنیت عمومی و حاکمیت بسیار اهمیت دارد و در همه کشورها، اقداماتی که امنیت حاکمیت را برهم بزند جرم انگاری شده است و با شدیدترین صورت از ضمانت اجرای کیفری روبه رو می‌شوند تا جایی که برخی از اساتید حقوق، تاریخ دادگستری عمومی را در این جرایم بررسی می‌کنند (Bentham, 1830: 230).

این موضوع بسیار طبیعی به نظرمی‌رسد، بدون حاکمیت و امنیت عمومی تصور امنیت فردی غیرقابل باور است. اصول حقوقی ابتدایی تقدم امنیت عمومی در حقوق جزا، گاه محدودیت‌های فراوانی به آزادی‌های فردی افراد تحمیل می‌نماید؛ اما در مقابل این محدودیت‌ها حق بی پایان امنیت، آورده حقوق کیفری برای شهروندان تلقی می‌شود، این مهم در جرایم امنیتی وقتی دو چندان می‌شود، که بنا به حساسیت فوق‌العاده حقوق امنیت عمومی ضابط و دادرسان سعی در کشف دقیق و کارا و سریع از این جرایم دارند. رویارویی در کشف این دست جرایم در مراحل تحقیق و بازجویی صورت می‌پذیرد و در این مصاف تحقیق نتیجه مجرمانه یا عدم آن تثبیت می‌شود.

کوتاه سخن این که مهم‌ترین جرایم، جرایم امنیتی و در این افعال پیچیده‌ترین و سخت‌ترین مرحله، تحقیقات مقدماتی و بازجویی است. پیچیدگی بازجویی امنیتی از دو منظر است: جهت فنی بازجویی به عنوان یک فعالیت فوق‌العاده روان‌سنجی و حساس و جهت ثانوی آن در تأثیر کیفری در شکل‌گیری حقوقی پرونده تلقی می‌شود. نقطه تعامل سطح عالی یک فعالیت امنیتی با کارکرد کیفری و الگوی مطلوب تبدیل داده‌های اطلاعاتی به مستندات متقن قضایی والاترین اثربخشی این تحقیق خواهد بود.

با توجه به عنوان مقاله «اصول بازجویی کیفری جرایم امنیتی» و برابر تحقیقات معموله، تاکنون با این ماهیت، پژوهشی صورت نپذیرفته است لیکن در وجوه مختلف بازجویی در داخل و خارج از کشور در حوزه مسائل روان‌شناسی جنایی، مقررات قانونی، زبان بدن و من حیث المجموع موارد شکلی و شگردهای بازجویی پژوهش‌های متعددی انجام شده است.^۱ مع‌الوصف براساس جستجوی پژوهش‌گر در کتابخانه‌های تخصصی موضوعی و نیز سایر بانک‌های معتبر نظیر ایران داک و... مستندات تحقیقاتی در این موضوع یافت نشد فلذا خلأ پژوهشی در این حوزه بنیادی و لزوم تتبع آن را چندین برابر می‌نماید.

۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: جشان (۱۳۸۱)، کوین بی کینی (۱۳۸۳)، خوشنژاد (۱۳۸۵)، گیسلی ایچ گاد جانسون (۱۳۸۶)، حاج محمدی (۱۳۸۹)، یزدان‌جو (۱۳۸۹)، عابدی (۱۳۹۱)، زولاسکی (۱۳۹۵)، روح‌الله عباسی (۱۳۹۶)، قانعی (۱۳۹۷)، محمد اسلامه (۱۹۹۰)، علی احمد ابراهیم (۲۰۰۶).

سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارتست از: اصول بازجویی کیفری جرایم امنیتی مورد پذیرش در جمهوری اسلامی ایران چگونه باید باشد؟ در پاسخ به سؤال موصوف، فرضیه پژوهش بدین شرح است: اصول بازجویی کیفری بر مبنای استدراجِ ارکانِ تقنینی شکلی و ماهوی استوار است.

مقاله حاضر بر اساس نوع هدف، تجویزی است و جمیع تحقیقات تجویزی، کاربردی بوده و هدف آن‌ها کمک به مخاطب برای نیل به راهکارهای مقتضی و پیشبرد مأموریت‌های سازمانی است و مطابق با ماهیت داده‌ها کیفی و با اتکا بر مطالعات کتابخانه‌ای و بالتبع تدوین داده‌ها به شیوه‌ای استدلالی، موضوع نوشتار را مورد واکاوی قرار داده است.

محقق در این پژوهش بر آن است که اهداف علمی و کاربردی مبتنی بر کشف اصول حاکم بر بازجویی جرایم امنیتی را ترسیم و بر این ابتنای ارتقاء دادرسی عادلانه و اعتلای امنیت عمومی با ارائه الگوی مطلوب تقنینی، نهادهای امنیتی را در با ارزش‌ترین مرحله کیفری «تحقیق و بازجویی» یاری دهد.

۱) مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱) اصول حقوقی^۱

اصول کلی حقوق، قواعدی مجرد و راهنماست که مبنای چند قاعده حقوقی قرار می‌گیرد و در مورد موضوعات متعدد و مشابه ضابطه‌ای کلی به دست می‌دهد و در واقع زیر ساخت‌های هر نظام حقوقی را بنا نهاده و ارکان و پایه‌های زیربنایی آن را می‌سازد البته در تعریف آن باید به ویژگی‌هایی همچون عمومیت، استمرار، داشتن ارزش اجتماعی و انعطاف‌پذیری اصل توجه نمود. بدیهی است در این مجال اندک نمی‌توان به تمام زوایای این بخش اشاره نمود اما در یک نگاه گذرا در حوزه دادرسی می‌توان گفت مقصود از اصول، بنیان‌ها و نهادهای اساسی است که در هر نظام حقوقی بر مقررات حاکمیت دارد و موارد از آن منبعث می‌باشد (عباسی، ۱۳۹۶: ۳). مع الوصف اصول حقوقی مفهومی متمایز از قواعد حقوقی دارند. قواعد حقوقی احکامی کلی، الزام‌آور و دارای ضمانت اجرا هستند که از سوی مرجعی ذیصلاح، به منظور ایجاد نظم در روابط اجتماعی وضع می‌گردند. بنابراین قواعد حقوقی مصنوع قانون‌گذار است، در حالی که اصول حقوقی جایگاهی فراقانونی دارد و تبعیت از آن حتی برای قانون‌گذار الزامی است. باری در میان آثار گهربار اصولیین متقدم نظیر مرحوم مظفر، علامه حیدری و آخوند خراسانی، تعریف دقیقی از اصل و قاعده بدست نمی‌آید ولی اصولیین متأخر از جمله استاد ولایی و یا دکتر فیض در کتب ترمینولوژی خود سعی در تفکیک این دو اصطلاح داشته‌اند و تئانوی در کشف اصلاحات الفنون خود آورده است که اصل چیزی است که چیز دیگری بر آن بنا می‌شود. حالیه اصل به معنی «قاعده» که نقطه عطف این مقاله است؛ یعنی پایه‌ای که چیزی روی آن قرار می‌گیرد لیکن باید عنایت کرد که بین اصل و قاعده^۲

1. Legal Principle

2. Rule

تفاوت هست و به دیگر سخن، نسب اربع میان آن‌ها «عموم و خصوص مطلق» به گونه‌ای است که قاعده متداخل در اصل است. در صورتی که بعضی از حقوق‌دانان بر این باورند که اصل و قاعده یکی است ولی باید در جای خود میان آن دو تمایزاتی را قائل شد. مثلاً وقتی اصل ۳۷ قانون اساسی بیان می‌کند «اصل، براثت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد» در اینجا اصل به معنی قاعده نیست و فقط اصول کلی برای صدور حکم است. مثال‌های دیگری نیز می‌توان آورد که اصل به معنی قاعده نباشد مثلاً از زمان تفویض صلاحیت‌ها به یک سازمان بین‌المللی، اصل بر این است که دولت‌های عضو نمی‌توانند در قلمرو آن‌ها دخالتی نمایند؛ در اینجا اصل به معنی قاعده به کار نرفته است بلکه در مقابل فرع قرار گرفته که یعنی سازمان‌های بین‌المللی، صالح برای فعالیت آن زمینه‌ها می‌باشند و ممکن است در موارد نوعی و استثنایی جواز دخالت به دولت‌های عضو داده شود.

۱-۲) بازجویی کیفری^۱

از آنجایی که بازجویی در بحث ما از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است بر همین مبنا بازجویی را از دو جنبه حقوق کیفری و امنیتی بررسی می‌کنیم چه آنکه در مباحث کیس‌های امنیتی در وهله اول تخلیه اطلاعاتی متهم به لحاظ اهداف تشکیلاتی حائز اهمیت می‌باشد و در وهله بعد چگونگی انطباق شواهد اطلاعاتی به مستندات قضایی مطمع نظر است فلذا در اینجا نیز تعریف هر دو دانش را بیان خواهیم نمود.

۱-۲-۱) بازجویی در دانش امنیتی

برخی بازجویی را، مانوری از قدرت از طریق طرح پرسش‌های مشخص همراه با اعمال حداکثر فشار روانی و یا فیزیکی در محیطی اقتداری تعریف نموده‌اند (Micheal, 2006: 467). که البته به نظر می‌رسد این تعریف به لحاظ اخلاق حرفه‌ای، نظام هجاری حقوقی و حتی به لحاظ دانش امنیتی نیز ناقص می‌باشد برخی دیگر با تأکید بر عنصر فنی و هنرمندانه بازجو گفته‌اند: بازجویی عبارت است از هنر ایجاد شرایط مناسب در شخص بازجو شونده به منظور کاربرد فنونی در جهت کسب حداکثر اطلاعات در چهارچوب نظام ارزشی شرع مقدس اسلام (عرب محبی، ۱۳۷۴: ۴). و در تعریف به نسبه جامع دیگری آمده است: بازجویی تلاش منظم برای کسب اطلاعات از طریق پرسش مستقیم از فردی که تحت کنترل بازجو می‌باشد.

(Wilson.1996: 110)

۱-۲-۲) بازجویی در علم حقوق کیفری

حقوق‌دانان جزایی نیز تعاریف خوبی از بازجویی با توجه به نظام حقوق کیفری نموده‌اند. برخی نوشته‌اند بازجویی عبارتست از تطبیق اطلاعات به دست آمده با اظهارات مظنون ویژه و اخذ اعتراف از وی

(نجابی، پرویزی و شفیع، ۱۳۷۵: ۲۳۷) تأکید تعریف فوق بر عنصر اعتراف از مظنون است. یا در تعریف دیگری آمده: بازجویی تحقیق تفصیلی از متهم درباره بزه انتسابی به وی و درخواست تأیید یا رد اتهام است (عوجی، ۱۹۹۰: ۵۱۲). تأکید تعریف مذکور بر جهت انتساب است. برخی از اساتید نیز گفته‌اند: طرح سؤالاتی قانونی از متهم یا مظنون به ارتکاب جرم، به منظور کشف واقعیت مجرمانه و تضمین حق دفاع است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۳: ۱۶۳) نقطه عطف این تعریف بر جری قانونی و تضمین آزادی‌های شهروندی می‌باشد و عده‌ای نیز بازجویی را به تحقیق از شهود و متهم تعبیر نموده‌اند که البته نوعی تسامح عرفی تلقی می‌شود و در ادامه تعاریف متعدد دیگری را نیز نگارنده ملاحظه نموده است^۱ که در این مقال مجال تشریح آن نیست. هم اکنون ضمن احترام به آرا اندیشمندان محترم، پس از تتبع و تجمیع داده‌های مفروض تعریفی که حاصل تلفیقی از قرائت فنی امنیتی و حقوق از بازجویی کیفری مطمح نظر است ارائه می‌گردد: «سازوکار^۲ هنجاری، دیالکتیک^۳ مقام صالح از شخص تحت کنترل در کشف حقیقت و انطباق داده‌های امنیتی به مستندات متقن قضایی». بر اساس عبارت موصوف عناصر یک بازجویی کامل امنیتی کیفری در تعریف رعایت شده است تا تبیین جامع و مانع باشد که در متن اصلی پژوهش بدان خواهیم پرداخت.

۱-۳) جرائم امنیتی^۴

نظام ج.ا.ا در بین کشورهای تازه به استقلال رسیده بیشترین منازعات داخلی و منطقه‌ای را در طول چهل سال گذشته داشته و با فراز و فرود ناشی از تهدیدات امنیتی متعددی در حوزه سخت و نرم مواجه شده و اکنون در دوران جدیدی قرارگرفته که در آن تهدیدات امنیتی را به صورت ترکیبی نیز تجربه می‌کند (ساوه‌دودی، ۱۳۹۹: ۳۹). فلذا یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم نظام حقوق کیفری ما جرم امنیتی و تعریف آن می‌باشد. در قوانین داخلی ما نیز تعریفی از جرایم امنیتی وجود ندارد (کوشکی و علیزاده‌سرشت، ۱۳۹۴: ۱۰۶) و صرفاً برخی قوانین همانند ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص صلاحیت رسیدگی قضایی به جرائم امنیتی در دادگاه انقلاب و نیز بیان مصادیق ماهوی آن در فصل‌های هشتم و نهم کتاب دوم حدود قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و فصل‌های اول و دوم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ سخن گفته‌اند. جرایم امنیتی خصوصیتی دارند که در مراحل رسیدگی، مقام صالح، بازجویی نیز تمایزاتی به وجود خواهد آورد مانند آنچه در خصوص منع از حضور وکیل در جرایم امنیتی در مرحله بازجویی در قانون آیین دادرسی کیفری قید شده است. بحث ما در این قسمت مطلقاً جرم امنیتی است و در مقام پژوهش اصلی به مراحل کیفری که لازم باشد اشاره خواهیم نمود. در تعریف جرایم امنیتی برخی با تأکید بر عنصر معنوی جرم ارتكابی، ضابطه‌ای ذهنی ارائه نموده و گفته‌اند: جرایمی

۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: انصاری (۱۳۸۰)، جشان (۱۳۸۱)، مهدی پور (۱۳۸۱)، رضایی بنجار (۱۳۸۸)، مودت (۱۳۹۶)

2. Mechanisms

۳. dialectic: لفظی که بطور کلی به معنی بررسی نقادانه مطابقت یک عقیده یا رأی است با حقیقت. این واژه ترجمه صحیح و رسایی در فارسی نشده است.

4. Security Crimes

که با انگیزه اخلال در نظم و امنیت عمومی داخلی کشور انجام می‌شود را جرایم امنیتی می‌گویند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۲۳) بعضی با تکیه بر عنصر ارتكابی و عمل مجرمانه، تعریف عینی از جرم امنیتی ارائه نموده‌اند و اظهار داشتند: جرایم علیه امنیت هر نوع اقدامی که موجب صدمه و لطمه به حاکمیت، اقتدار، منافع، مصالح، اشتغال و تمامیت ارضی کشور گردد، اطلاق می‌گردد (الهی‌منش و مرادی‌وجقاز، ۱۳۹۴: ۳۷). نگارنده بر این باور است که در تعریف جرم امنیتی باید از هر دو ضابطه بهره برد؛ هم ضابطه اصلی عنصر معنوی و انگیزه فعل ارتكابی و هم عنصر مادی و عمل ارتكابی به عنوان ضابطه تکمیلی و نهایتاً بدین گونه جرایم امنیتی را تعریف نمائیم:

جرایم امنیتی جرایمی هستند که مرتکب به قصد اخلال در نظم و امنیت عمومی دست به ارتكاب عمل مجرمانه‌ای فرا شخصی و جمعی زده که موجبات اختلال در امنیت ملی را داشته باشد. در جهت ساختاری نیز می‌توان مصادیق مجرمانه‌ای که در قانون مجازات جرایم علیه امنیت عمومی وارد شده است را امنیتی تلقی نمود.

۴-۱) الگوی مطلوب^۱

یکی از مفاهیم جدید در دانش‌های مدیریت راهبردی^۲ مفهوم الگوی مطلوب یا الگوی پیشرفت تلقی می‌شود. در حقیقت الگوی پیشرفت عبارتست از: فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. الگوی پیشرفت مشتمل بر سه امر است: الف) تحلیل وضعیت موجود ب) تبیین وضعیت مطلوب ج) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. بر سیر سه گانه مارالذکر مبانی معرفت‌شناسی^۳ و هستی‌شناسی^۴ حقوق کیفری با تطبیق داده‌های اطلاعاتی اتخاذی حاکم است. در حقیقت ما در تعریف الگوی مطلوب این پژوهش باید بگوییم: «هندسه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب با تبیین جغرافیای تبدیل مصادیق عینی اطلاعاتی به میرهنات علمی کیفری». باری در این تحقیق الگوی مطلوب، وجه متجانس ارائه فنون تقنینی زوایای بازجویی کیفری است که قابلیت تسری به افعال متحدالمنشأ امنیتی را پس از بازشناسی رکنی داراست.

۵-۱) مستندات قضایی^۵

موضوع دانش حقوق و دادگستری قضایی حقوق (حق‌ها) است و این حق‌ها چنانچه قابلیت اثبات نداشته باشد ارزش قضایی خود را از دست می‌دهند. بین قابلیت استناد و دانش حقوق کیفری مفهومی وجود دارد به نام ادله اثبات کیفری یا مستندات قضایی (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۹۱). منظور مستندات قضایی در امور کیفری، دلایلی است که طبق آن جرم در دادگاه ثابت می‌شود. بنابراین مستند قضایی امری است

1. Desirable Pattern

2. Strategic Management

3. Epistemology

4. Ontology

5. Judicial Documentation

که کاشف از وقوع، ظن معتبر و گاه نیز در مقام فقد دلیل، مبین تکلیف قضایی کیفری که قاضی جهت اختتام امر کیفری در فرایند قضایی به آن متوسل می‌شود. نگارنده اهتمام خود را بر آن داشته که در ادامه پژوهش تمام اصول حاکم در بازجویی جرایم امنیتی را از حیث شکلی و ماهوی منطبق بر اصول حقوقی در عناوین مجرمانه امنیتی تقسیم‌بندی و تنقیح نماید تا جریان تبدیل داده‌های اطلاعاتی حاصل از بازجویی به مستندات قضایی تثبیت شود.

۲) یافته‌های پژوهش

با عنایت به اهمیت مرحله سرنوشت‌ساز بازجویی در تحقیقات مقدماتی و اینکه اساسی‌ترین قسمت دادرسی و نقطه عطف پرونده امنیتی این مهم می‌باشد، فلذا لزوماً می‌بایست طی‌الطریق این مرحله وفق مقررات و نظامات قانونی معمول تا خللی در صحت شکلی و ماهوی آن ایجاد نگردد در ادامه این اصول که ماحصل تدقیق نظر در نصوص تقنینی است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

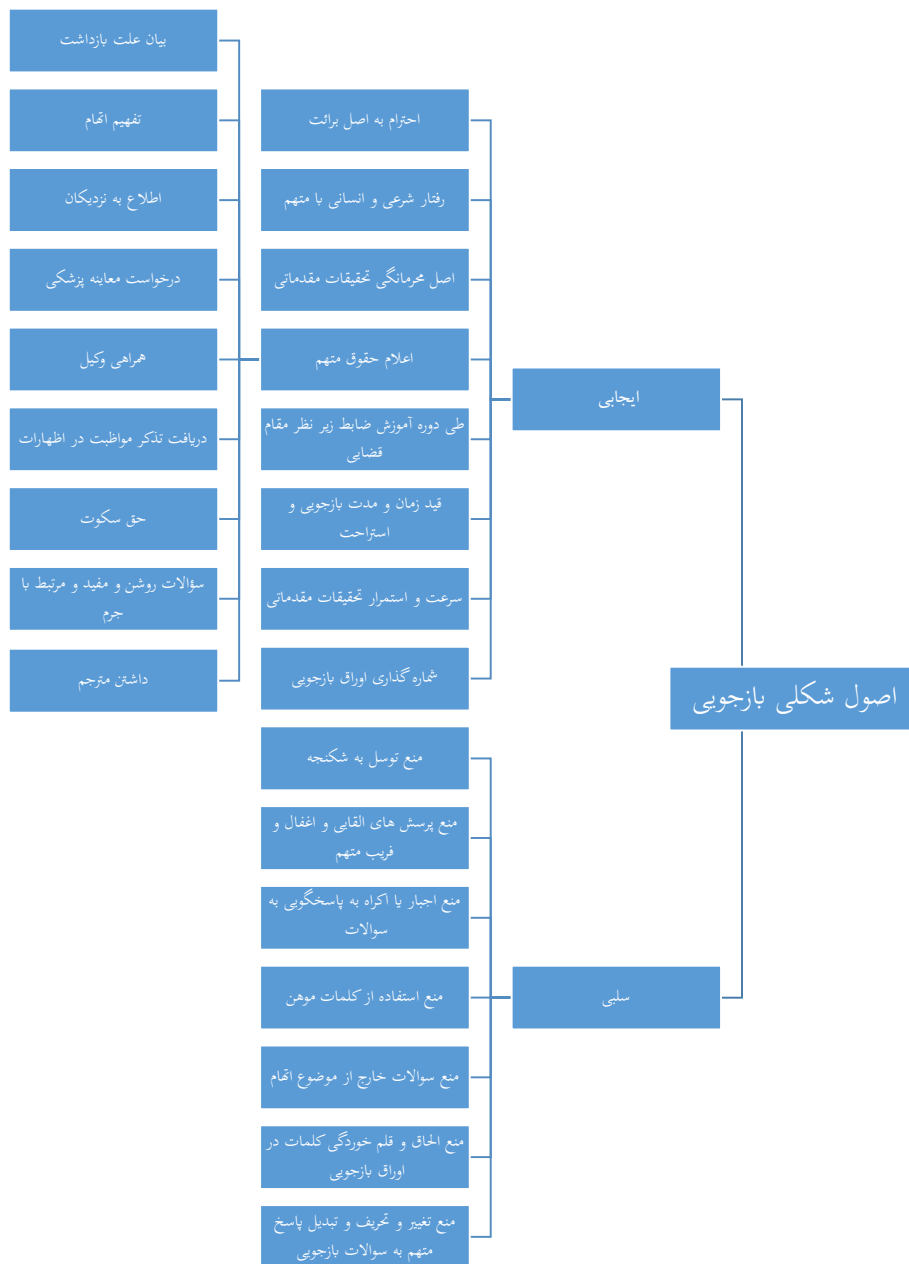
۱-۲) اصول شکلی حاکم بر بازجویی

این دسته از مقررات شرط لازم برای مقبولیت قانونی و در واقع نقشه راه مراحل بازجویی است و در صورت تخطی و عدم مراعات این اصول قانون‌گذار ضمانت اجراهای متعددی اعم از عدم اعتبار تحقیقات معموله و جرم‌انگاری‌های کیفری حسب مورد از قبیل انفصال از خدمات و محرومیت از مشاغل دولتی به صورت موقت و دائم، قصاص، دیه، جبران خسارت و ... که در فصل دهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بدان اشاره نموده است را برای متخاطبان در نظر گرفته است. حالیه با امعان نظر به پراکندگی موارد قانونی و به سبب ایجاز و عدم اطناب در کلام مراتب در قالب داده‌نمایی^۱ با محوریت شرایط ایجابی^۲ و سلبی^۳ به صورت ذیل احصا و ارائه می‌گردد.

1. Information graphic. Abbreviation: infographic

2. Affectionate

3. Slabby



شکل ۱: مدل مفهومی اصول شکلی بازجویی

با مذاقه در مدل مفهومی ارائه شده درخصوص اصول شکلی بازجویی که مستند از قوانین آیین دادرسی

کیفری مصوب ۱۳۹۱ و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ می‌باشد درمی‌یابیم که در جرایم امنیتی نیز رعایت اصول و ضمانت اجرای مارالذکر الزامی است لیکن در این گروه از جرایم در رابطه با حقوق متهم امنیتی پیرامون اطلاع به نزدیکان و داشتن وکیل، ملاحظاتی جاری است و چنانچه ضابطان بنابر ضرورت تشخیص دهند که متهم امنیتی نباید از چنین حقوقی استفاده نماید مراتب برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی خواهد رسید و پس از موافقت قضایی رسیدگی کننده در فرجه معین متهم موقتاً از این حقوق منع می‌گردد.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که وفق ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمان‌های اطلاعاتی نیز در مواجهه با پرونده‌های متهمین امنیتی در مواردی که مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق و اسناد یا مدارک پرونده با ضرورت کشف حقیقت منافات داشته باشد و یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد مراتب را در قالب گردشکاری با دلایل منصوص به مقام قضایی اعلام و در صورت موافقت، قضای پرونده نسبت به صدور قرار عدم دسترسی مبادرت می‌نماید و تا ابقای این قرار کسی حق دسترسی به این پرونده را نخواهد داشت و بالتبع از بروز مشکلات متعدد در روند پرونده علی‌الخصوص شکست‌های حفاظتی و ... در این موارد جلوگیری می‌گردد.

۲-۲) اصول ماهوی حاکم بر بازجویی جرایم امنیتی

مطابق با بند الف قسمت سوم ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد در اسرع وقت و به تفصیل و به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود. بنابراین رکن رکین بازجویی در جرایم امنیتی نیز مرحله تفهیم اتهام می‌باشد. منظور از تفهیم اتهام، اعلام صریح و روشن عنوان مجرمانه‌ای است که به متهم نسبت داده می‌شود تا بدین ترتیب وی بداند که برای ارتکاب چه عملی سزاوار سرزنش و قابل تعقیب کیفری شناخته شده است (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۰۸) در این بخش می‌بایست نسبت به شناخت ماهیت جرایم امنیتی تدقیق نظر داشته باشیم تا پس از گونه شناسی ساختار مقتضی، نسبت به ارائه الگوی استدراجی تفهیم اتهام کیفری این نوع جرایم مبادرت نماییم.

۱-۲-۲) تبیین فعل مجرمانه امنیتی

امنیت کشور گاهی با توسل به قدرت‌های خارجی و گاهی بدون دخالت عوامل خارجی ممکن است در معرض اعمال مخاطره‌آمیز قرار گیرد. در مواردی نیز اعمال مجرمانه مزبور به منظور براندازی حکومت یا دولت یا لطمه به استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور انجام می‌شود بدین ترتیب جرایم بر ضد امنیت کشور به دو دسته عمده تقسیم می‌شود: ۱- جرایم بر ضد امنیت خارجی کشور ۲- جرایم بر ضد امنیت داخلی کشور (گلدوزیان، ۱۳۹۶ ب: ۳۵۱) حال این دسته‌بندی افعال مجرمانه امنیتی در بازجویی تخصصی

کیفری صرفاً در دو محور جرایم مطلق و مقید قرار خواهند گرفت و پس از تشخیص ساختار معنون، سبک بازجویی آن نیز مشخص خواهد شد فلذا در ادامه به بررسی شاخص‌های تنقیحی مراتب می‌پردازیم.

۱-۲-۲) جرم مطلق امنیتی^۱

قانون‌گذار در مواردی به نتایج حاصله از جرم توجهی ندارد یعنی عمل بزهکار را صرف نظر از نتایج آن مورد نظر قرار داده و مرتکب را مستوجب مجازات می‌داند (گلدوزیان، ۱۳۹۶ الف: ۱۸۶). و یا به عبارتی به صرف ارتکاب فعل مجرمانه بدون عنایت به سرانجام عمل، جرم تام امنیتی محقق می‌گردد که با توجه به فلسفه جرم‌انگاری و حالت خطرناک آن برای پیشگیری یا کنترل جرم، وقوع آن را معلق به تحقق نتیجه ندانسته است؛ مصادیق این دسته از جرایم امنیتی عبارتند از: تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت، توهین به مقدسات اسلامی، نقض برادری یا گرفتن فیلم یا عکس از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه، تحریک به عصیان نیروهای مسلح، توهین به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری و جاسوسی رایانه‌ای و ... حال در بازجویی این گروه از جرایم امنیتی نیاز به تفهیم اتهام بالا اجتماع فاکتورهای استدراجی کیفری عناصر سه گانه تشکیل دهنده جرم اعم از عنصر قانونی و عنصر مادی و عنصر معنوی نمی‌باشد و به عبارتی در صورت این که عمل مجرمانه وفق قوانین موضوعه شامل آن دسته از فعل یا ترک فعل‌هایی که قانون‌گذار برای آن‌ها مجازات تعیین نموده باشد؛ آنگاه به صرف فعلیت عنصر مادی، صرف نظر از هدف غایی و انگیزه مجرمانه قابلیت تفهیم اتهام کیفری را دارد. مع الوصف می‌بایست مستندات اطلاعاتی مکشوفه به متهم ابلاغ و پس از تفهیم اتهام و پذیرش ادات مجرمانه نسبت به طی‌الطریق تبدیل شواهد اطلاعاتی به مستندات قضایی مبادرت نماییم.

۲-۲-۱-۲) جرم مقید امنیتی^۲

چنانچه تحقق جرم، مقید به ایجاد نتیجه‌ای باشد؛ یعنی اگر قانون‌گذار، حصول نتیجه‌ای را جزء عناصر تشکیل دهنده جرم منظور کرده باشد؛ جرم را مقید می‌نامند (شامبیاتی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۹۲) و به عبارت دیگر جرم امنیتی وقتی تام است که بزهکار تمامی شرایطی را که قانون برای تحقق جرم امنیتی و ارتکاب آن لازم دانسته انجام داده باشد و نتیجه در اتمام جرم نقش اساسی را برعهده داشته و تحقق مسئولیت مجرم امنیتی منوط به حصول نتیجه مقید قانونی است و تا وقتی که نتیجه مورد نظر بدست نیامده باشد نمی‌توان گفت جرم کامل شده است. باری این سیر تکامل جرم مقید، در قالب اجتماع واحده بلا فصل عناصر سه گانه تشکیل دهنده جرم مترتب می‌گردد و نقطه عطف بازجویی جرایم امنیتی بازشناسی این ارکان و کاربرست آن در شیوه استدراجی بازجویی کیفری جرایم امنیتی ملحوظ نظر می‌باشد؛ چه آنکه نقص یا فصل در عناصر معنون از شگردهای ضد بازجویی کیفری و یا حره دفاع وکلای متبخر از موکلین در عدم

1. Absolute Security Crime
2. Secured Crime

اثبات جرایم امنیتی می‌باشد و این مهم نقش به سزایی در نفی یا اثبات عناوین مجرمانه امنیتی علیه متهم داراست؛ فلذا در بازجویی کیفری این دسته از جرایم امنیتی بدو می‌بایست نسبت به شناسایی ماهیتی جرم متناسبه به متهم، اهتمام لازم را معمول و در ادامه در صورت این که بزه انتسابی در زمره جرایم مقید امنیتی قرار داشت با تمسک به شیوه استاندارد بازجویی کیفری به شرح ذیل مبادرت نمود و تفهیم گام به گام عناصر مجرمانه امنیتی را در انفکاک تنقیحی فعل یا ترک فعل ضد امنیتی مورد مذاقه و بازرسی قرار داد و النهایه با آنالیز ترکیبی حاصل از تجزیه ساختاری عناصر سه گانه تشکیل دهنده جرم؛ تفهیم نهایی اتهام صورت پذیرد. حال مراحل این عملیات بازجویی جرایم مقید امنیتی را تشریح و برای ایضاح و تنویر اذهان یک نمونه از این گونه جرایم امنیتی را آمایش کیفری می‌نماییم.

الف) عنصر قانونی^۱

تحقق جرم و صدور حکم مجازات منوط به نص صریح قانون است و چون بدون وجود قانون جرم محقق نمی‌شود گزاف نیست که گفته شود قانون رکن لازم جرم است (اردبیلی، ج ۱، ۱۳۹۷: ۱۸۰) و این رکن اساسی از اصول قانونی و قواعد فقهی مختلف نشأت می‌گیرد، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و قاعده قبح عقاب بلا بیان و همچنین اصل ۱۶۹ قانون اساسی مبنی بر این که «هیچ فعل یا ترک فعل به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود» و نیز ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود» حالیه با امعان نظر به این که تمرکز این پژوهش با ابتنا به جرایم امنیتی است عنصر قانونی مقتضی این موضوع در نصوص تقنینی فصل‌های هشتم و نهم کتاب دوم بخش حدود قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و فصل‌های اول و دوم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ متمرکز می‌باشد.

در بازجویی جرایم امنیتی می‌بایست در بادیه امر نسبت به کشف تجانس فعل مجرمانه امنیتی با نص ضمانت اجرای کیفری مبادرت و پس از شناسایی عنصر قانونی طی‌الطریق بایسته معمول گردد از جمله جرایم مقید امنیتی در قانون مجازات اسلامی می‌توان به محاربه، افساد فی الارض، تحریک و اغوای مردم جهت کشتار، انواع جاسوسی، بغی، تبلیغ علیه نظام، تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت به قصد برهم زدن امنیت کشور و... نام برد که صرفاً یک مورد از این جرایم بر اساس عناصر تشکیل دهنده جرم جهت بازجویی تخصصی کیفری تشریح می‌گردد. به طور مثال در محاربه که از بارزترین جرایم علیه امنیت می‌باشد. عنصر قانونی آن ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که اشعار می‌دارد: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هر کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی

1. Legal Element

نداشته باشد و نیز کسی که روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود».

(ب) عنصر مادی^۱

حقوق جزا پندار نکوهیده را تا زمانی که به منصف ظهور و بروز نرسیده است به مجازات نمی‌رساند زیرا قصد سوء تا وقتی انسان برای واقعیت بخشیدن به آن جازم نیست خطری برای نظم اجتماعی در بر ندارد. پس، شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتکاب رفتار خاصی به مرحله فعلیت برسد. فعل یا ترک فعل خارجی که تجلی نیت مجرمانه و تقصیر جزایی است عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد (اردبیلی، ۱۳۹۷، ج ۱، ۳۰۳). مع الوصف عنصر مادی خود به سه زیر مجموعه مستقلى که می‌بایست جهت وقوع مادی جرم، بالاجتماع حادث گردد با شرایط ذیل‌الذکر به وقوع می‌پیوندد.

• رفتار فیزیکی^۲

در اتیان جرایم امنیتی رفتار فیزیکی به چهار صورت قابلیت اجرا دارد؛ دسته اول در غالب موارد قانون‌گذار مخاطبان خود را از انجام فعل خاص ضدامنیتی منع می‌نماید؛ پس ارتکاب این فعل تخطی از نواهی تقنینی است و جرم محسوب می‌گردد (فعل مثبت ایجابی). دسته دوم مواردی است که قانون‌گذار به انجام دادن فعلی تکلیف می‌نماید پس ترک این عمل نقض اوامر اوست و جرم محسوب می‌گردد (ترک فعل). دسته سوم مربوط به موردی است که جرم انجام شده یا اقدام به ارتکاب فعل غیرقانونی امنیتی در شرایطی باشد که مرتکب خود قانوناً مکلف به حفظ ارزش‌های خاص ملحوظ نظر قانون‌گذار می‌باشد (فعل ناشی از ترک فعل). دسته چهارم به سبب حساسیت خاص حفظ امنیت کشور چنانچه براساس بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی فرد منتج به تخلیه اطلاعاتی گردد در این صورت نیز صرف‌نظر از عمدی نبودن جرم، تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد (خطای جزایی).

حال در تشریح جرم محاربه رفتار فیزیکی مرتکب می‌بایست از نوع فعل مثبت باشد و در بازجویی این نوع از جرایم چگونگی انجام رفتار فیزیکی در قالب فعل ایجابی مطمح نظر می‌باشد.

• شرایط لازم برای تحقق جرم^۳

در جرایم مقید امنیتی می‌بایست برای تحقق جرم شرایط و اوضاع و احوال به نحوی باشد که مقنن در نصوص قانونی، چگونگی آن را بالصراحه یا تلویح معنی به تشریح نماید و به تعبیری شرایط لازم و کافی در جرگه مراتب متعلق به فعل و فاعل و شکل اقدام مجرمانه و تجانس آن با ماهیت ابتدایی قانونی محقق گردد و این شرایط بسته به نوع فعل مجرمانه در متون مواد قانونی عنوان شده است. به طور مثال در جرم محاربه شرایطی نظیر عمومی بودن اقدام و سلب امنیت توسط مجرمان در باب فعل مجرمانه است و شرایطی

1. (Legal) Material Element

2. Physical Behavior

3. Necessary qualification for realization

از قبیل توانایی ارباب و استفاده از سلاح در مبحث فاعل مجرمانه است و محترم بودن مال و جان و محل و مکان وقوع جرم، بروز ناامنی در محیط از شرایط شکلی اقدام مجرمانه تلقی می‌گردد که در زمان بازجویی جرایم امنیتی تفکیک و تفهیم موارد معنونه نقش به سزایی در غنای کیفری موضوع دارد.

• نتیجه حاصله^۱

در واقع این مرحله بخش نهایی نمود علنی اقدام فیزیکی منطبق بر شرایط تقنینی است و می‌بایست نتیجه حاصله منبعث از هم‌پوشانی رفتار فیزیکی مجرمانه با شرایط و اوضاع و احوال خاص لازم برای تحقق جرم امنیتی منتج به بروز ملموس عنصر مادی جرم باشد و در این صورت عنصر مادی جرم امنیتی با ملحوظ‌نظر نمودن برآیند اجتماع شرایط موصوف محقق می‌گردد و در این مسیر انطباق داده‌های مکشوفه اطلاعاتی با حصول نتیجه عنصر مادی فعل مجرمانه و تبدیل آن به مستندات قضایی حائز اهمیت و از ارکان مؤثر در بازجویی کیفری و ارائه الگوی استدراج ادله اثبات در کیس‌های امنیتی می‌باشد. در نمونه تنویری جرم محاربه برآیند رفتار فیزیکی ایجابی جرم در راستای تکمیل شرایط و اوضاع و احوال تحقق اقدام مجرمانه موجبات نیل به تحقق واقعی فعل ضد امنیتی را مترتب و از منظر عنصر مادی، جرم کامل متصور است.

ج) عنصر معنوی^۲

در جمیع جرایم مقید علیه امنیت داخلی و خارجی اتیان صرف فعل مجرمانه دلیل بر احراز مجرمیت بزهکار نیست و مجرم می‌بایست از نظر روانی قصد و علم و عمد در انجام جرم معموله را نیز داشته باشد و به عبارتی رابطه مستقیم علی بین فعل مادی و حالت روانی فاعل مستقر تا بتوان جرم را کامل دانست و در صورت عدم اثبات مراتب قابلیت مجازات فاعل منتفی است؛ در واقع این رکن از عناصر تشکیل‌دهنده جرم امنیتی مهم‌ترین مرحله مانور دفاع متقن متهم یا وکیل وی جهت گریز از ضمانت اجرای کیفری و مجازات است؛ فلذا چگونگی اثبات این مهم از طریق بازشناسی سوء نیت عام و خاص که از ارکان عنصر معنوی جرم است و تطابق آن با داده‌های اطلاعاتی اعم از تحقیق، منبع، فنی و ... استحصال می‌گردد.

• سوء نیت عام^۳

مقصود از سوء نیت عام، قصد قبلی توأم با علم به ارتکاب عمدی فعل مجرمانه امنیتی به نحوی که تمایل شخص به فعلیت آن جرم به نحو مستقیم یا مع‌الواسطه مفروض است. مع‌ذلک قصد مزبور همان اهتمام و کشش اراده مرتکب برای رسیدن به هدف معلوم و علم مبتنی بر معرفت فاعل به کیفیت موضوع فعل مجرمانه و نامشروع و غیرقانونی بودن آن است و در مرحله آخر سوء نیت عام که عمد در فعل ملاک می‌باشد؛ متأثر از عزم عملی متضمن بر آگاهی فاعل از ارتکاب جرایم ضد امنیتی نشأت می‌گیرد. مثال ایضاحی جرم محاربه سوء نیت عام آن عبارتست از عمد در کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس

1. Theresult

2. (Legal)Spiritual Element

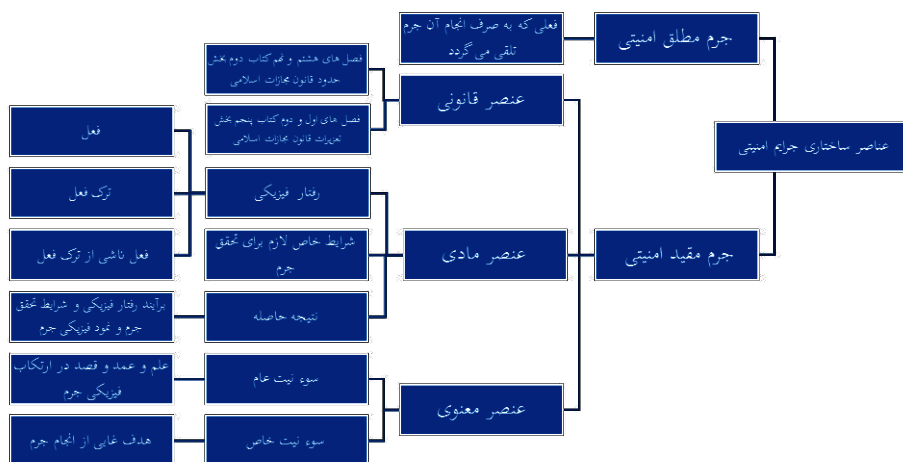
3. General Maladaptation

مردم یا ارباب آنان با علم به تحریم شرعی و قانونی موضوع جرم موصوف می‌باشد. نکته حائز اهمیت این است که در بازجویی جرایم امنیتی ذکر سؤالات انفکاک‌ی اجزای سوءنیت با استمساک به داده‌های اطلاعاتی که منتج به اقرار متهم می‌باشد نقطه طلایی یک بازجویی کیفری متعالی می‌باشد.

• سوء نیت خاص^۱

هدف غایی مرتکب از انجام فعل مجرمانه ضدامنیتی، سوءنیت خاص آن جرم می‌باشد. در برخی از جرایم مقید امنیتی سوءنیت خاص ملاک عمل می‌باشد و در زمره دیگر نیازی به آن متصور نیست. لازم به ذکر است که انگیزه مجرمانه با این قسم از سوء نیت تجانسی ندارد و سوای از اعداد عنصر معنوی می‌باشد که جایی در طی‌الطریق بازجویی کیفری به عنوان رکن حادث دارا نیست و صرفاً به عنوان مستمسک تخفیف و تشدید مجازات ملحوظ‌نظر می‌باشد. در مثال جرم محاربه سوءنیت خاص آن ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت، تجاوز به جان و مال یا ناموس مردم است.

همانطور که ملاحظه گردید الگوی مرتب در بازجویی جرایم مقید امنیتی مبتنی بر اصول استدراجی و با اتکال بر استقرای سلسله مراتب تفهیم اتهام از عناصر سه گانه قانونی، مادی و معنوی با مطمح‌نظر قراردادن ارکان این عناصر می‌باشد و پس از تکمیل پازل سؤالات ابتدایی می‌توان با استمساک بر شواهد اطلاعاتی مراتب نیل به مستندات متقن قضایی و النهایه اقناع وجدانی قاضی را فراهم نمود. در ادامه به سبب تنویر کلام نسبت به ارائه تصویر داده‌نمایی اصول بازجویی کیفری جرایم مقید امنیتی مبادرت می‌نماییم.



شکل ۲: داده‌نمایی اصول بازجویی جرایم مقید امنیتی

۲-۲-۲) تبیین فاعل مجرمانه امنیتی

در کلیات حقوق جزای کشورها، مطابق معمول، فصل یا موادی را به مبحث مداخله‌کنندگان

1. Special malice

در جرم اختصاص داده‌اند. در حقوق کشورها، بسته به سابقه تاریخی و ریشه‌های قانون‌گذاری، براساس مواردی نظیر: میزان، نحوه و تأثیر مداخله‌کنندگان در جرم با مبحث مباشرت، شرکت و معاونت، متفاوت برخورد کرده‌اند. معمولاً مثلث قدیمی در این خصوص براساس نحوه و میزان مداخله، به شکل عناوین مباشرت، شرکت و معاونت در جرم و با تعریف و حدود و ثغور خاص هر یک شکل گرفته‌است. البته نظام‌هایی وجود دارند که قاعده مذکور را رعایت نکرده و با تقسیم‌بندی دیگری به موضوع نگریسته‌اند^۱؛ اما قاعده معمول و منطقی این است هنگامی که بزهکار به تنهایی عمل کند، مباشر یا سبب^۲ منحصر به فرد باشد. مشکل هنگامی بروز می‌کند که دامنه افراد دخیل در عملیات مجرمانه گسترش یابد. میزان شرکت دیگران در ارتکاب جرم می‌تواند از حداقل همکاری (مشاوره، تهیه وسایل، حمل و نقل) شروع شده و تا قبول مسئولیت در عملیات اجرایی پیش رود (فلچر، ۱۳۸۴: ۳۱۶). از این منظر، در کنار بحث مباشرت انفرادی در جرم، مداخله دیگران (با اختلافاتی نظری) با عناوین معاونت و شرکت در جرم در نظام‌های حقوقی شناخته شده‌است. اگرچه مثلث قدیمی مذکور که معمولاً با حدود و ثغور مختلف در نظام‌های حقوقی ملاحظه می‌شود، امروزه از چند جهت دچار تحول شده‌است؛ اما مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که برخی از نظام‌های حقوقی سعی در ساده‌سازی و تمایل به کاهش اضلاع مثلث از سه ضلع به دو ضلع را دارند. معمولاً یکی از اضلاع مباشرت است و ضلع دیگر آن به شکل پذیرش شرکت در مفهوم وسیع (با حذف معاونت در جرم) و یا به شکل حفظ معاونت در کنار مباشر (با حذف شرکت در جرم) یا حفظ مفهوم آن تحت لوای مباشر (مباشران) است. در کنار این ساده‌سازی با شکل‌گیری هسته‌های جدید و تشکیل شرکت‌های مجرمانه، اصطلاحات و مفاهیم جدیدی؛ نظیر جرایم باندى^۳، گروهی و شبکه‌ای^۴، جرایم سازمان یافته^۵ و سازمان‌یافتگی جرایم، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و شرکت‌ها^۶، استخدام و به کارگیری افراد برای ارتکاب جرایم^۷ ایجاد شده‌است. نظام حقوقی ایران نیز از بدو قانون‌گذاری کیفری تا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به‌رغم پذیرش سه عنوان مباشرت، شرکت و معاونت، از تغییر و تحول مصون نبوده‌است. عدم تعریف مباشرت و شرکت با عباراتی کلی و مبهم و در باب معاونت وجود مصادیق هفت‌گانه یا نه‌گانه حصری که می‌توانست با عبارات کوتاه‌تر و منطقی‌تر تدوین شود از

۱. برای نمونه بنگرید به:

David, Rena. Major legal system in the word today: an introduction to the comparative study of law. Simon and Schuster, 1978

Reichel, Philip L. comparative criminal justice systems: A topical approach. Vpper Saddle River, NJ: Prentice Hall, 2002.

2. Cause

3. Gang crimes=Band crimes

4. Net crimes

5. Organized crimes

6. Criminal liability of legal persons and corporates.

7. Hiring individuals to commit crimes

برای کسب اطلاعات در رابطه با استخدام و به کارگیری افراد برای ارتکاب جرم بنگرید به:

Blumstein, Alf, red, ed. Criminal Careers and "Career Criminals" vol 2. National Academies, 1986.

ویژگی‌های عمده قوانین ایران در این رابطه است.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با شفاف کردن بعضی ابهامات قوانین سابق، منطقی‌تر عمل کرده اما نبود یک سیاست جنایی منظم و منطقی در تقسیم مداخله‌کنندگان در جرم، ابهام در تفکیک دقیق شرکت از معاونت در جرم و عدم تعیین تکلیف درباره مصادیق شرکت در حدود، از جمله اشکالات قانون مذکور که نتوانسته انتظارات لازم را برآورده سازد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶)، که تبیین آن در این مقال نمی‌گنجد. از آنچه که گفته شد و برابر تحقیقات معموله یکی دیگر از مبانی مسلم بازجویی جرایم امنیتی، مذاقه در فاعل بزه معنوی می‌باشد و این مباشرت در جرایم امنیتی به طرق مختلف امکان‌پذیر است؛ بنابراین از آنجایی که معین نمودن نقش مرتکبین در طی‌الطریق قضایی کیس‌های اطلاعاتی حائز اهمیت می‌باشد با نگاهی گذرا در ادامه به ذکر شرایط اساسی آن می‌پردازیم.

۱-۲-۲-۲) مباشر^۱

در جرایم امنیتی مباشرت جرم در دو حالت متصور است؛ حالت اول فاعل مادی که رأساً اعمال فیزیکی جرم را با امعان نظر به اتیان عناصر تشکیل‌دهنده جرم انجام می‌دهد. حالت دوم فاعل معنوی است که در موارد استثنایی صرفاً عامل و مسبب مستقیم فکری ارتکاب رفتار مجرمانه بوده و به عبارت دیگر کسی که جرم را توسط دیگری انجام می‌دهد. بدین ترتیب کسی که مردم را به قصد برهم زدن امنیت به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا و تحریک کند فاعل معنوی می‌باشد. لازم به ذکر است در جرایم تروریستی که عاملین بمب‌گذاری یا انتحاری و ... از کودکان تکفیری استفاده می‌نمایند نیز در جرگه قسم اخیرالذکر است. مع‌الوصف اشرافیت بر وجوه تنقیحی قوانین، علی‌الخصوص در راستای شناسایی مداخله‌کنندگان جرایم امنیتی با اخذ مفهوم مشترک انتساب فعل به فاعل مقتضی کاربرست معنوی می‌باشد را در بازجویی جرایم بدنبال دارد.

۲-۲-۲-۲) شریک جرم^۲

شریک جرم در جرایم امنیتی کسی است که در معیت مباشر مادی جرم، اعمال فیزیکی تشکیل‌دهنده جرم امنیتی را انجام دهد و فعل مجرمانه مستند به رفتار همه آنها صرف‌نظر از میزان مداخلت آنها باشد و برای اتیان شراکت سه شرط بالاجتماع قصد و علم و عمد در تحقق جرم، انجام عملیات اجرایی و رابطه علیت یا ملازمت عرفی میان افعال شرکا لازم‌الاتباع می‌باشد. برخلاف «معاونت در جرم» که جهت تحقق آن «وحدت قصد» بین معاون و مباشر جرم، ضروری است در مشارکت در جرم چنین شرطی لازم نیست و معیار و ملاک انتساب جرم به فرد، شرکت در عملیات اجرایی عنصر ماده جرم و در نهایت، استناد رفتار مجرمانه به اوست (مصدق، ۱۳۹۲: ۲۵۰). شرکای جرم فقط در باب مجازات، حکم فاعل مستقل را دارند و

1. Guilty

2. Crime Partner

در مورد ضرر و زیان و خسارت ناشی از جرم، هر یک از آنان به میزان ضرر و زانی که وارد کرده‌است مسئولیت مدنی خواهد داشت^۱ (گلدوزیان و حسین‌زاده، ۱۳۹۶).

۳-۲-۲) معاون جرم^۲

در رابطه با معاونت دو شیوه استقلالی و استعاری به چشم می‌خورد، در شیوه استقلالی معاونت به عنوان جرم مستقل و بدون نیاز به تحقق جرم مباشر پیش‌بینی شده‌است و در شیوه استعاری معاونت امری تبعی بوده و مجازات معاون موکول به تحقق جرم مباشر می‌باشد. بر مبنای اصل عاریه‌ای بودن بزهکاری، معاون، مرتکب بزه مستقلاً نمی‌شود، بلکه عنوان بزهکاری‌اش را از مرتکب اصلی به عاریت می‌گیرد. بر مبنای جمله معروف استاد کرنبیه، مباشر و معاون همانند تار و پود یک کیف می‌باشند (لوترمی و کلب، ۱۳۸۷: ۷۶). کشور ایران از بدو قانون‌گذاری تاکنون و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از شیوه استعاری و تبعی معاونت پیروی کرده‌است. در ادامه نسبت به تعریف معاونت در جرم مبادرت می‌نماییم؛ معاون جرم کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته بلکه از طریق ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک، دیگری را وادار به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم شود و یا در تهیه وسایل ارتکاب جرم یا ارائه طریق و یا ایجاد تسهیلات برای وقوع جرم در ارتکاب و رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۱۵۲). و در ادامه نظر به این که درخصوص مشارکت و معاونت در جرایم وجوه متحدالمنشاء حاکم است؛ فلذا برخی از وجوه تبیین آن به عنوان حسن ختام این قسمت آورده می‌شود:

۱- شرکت در جرم، مستلزم مداخله در عملیات اجرایی است، درحالی که در معاونت، معاون در رکن مادی و عملیات اجرایی جرم مداخله ندارد.

۲- معاونت امری عاریتی و مباشرت استقلالی است.

۳- مصادیق معاونت حصری است و مصادیق مشارکت تمثیلی (نوعی) است.

۴- معاونت صرفاً در جرایم عمدی امکان‌پذیر است ولی شرکت در همه جرایم متصور است.

۵- مجازات معاون معمولاً حداقل مجازات مباشر است، ولی مجازات شریک مجازات فاعل مستقل است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۶).

آنچه در تحقق معاونت در جرم حائز اهمیت است تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که اشعار می‌دارد: «برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است...» لازم به ذکر است به دلیل اهمیت فوق‌العاده جرایم امنیتی برخی از افعال معاونت در این دسته جرایم، به عنوان فاعل مستقل برای آن ضمانت اجرای کیفری خاص

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۸۰۹۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۷ اداره حقوقی قوه قضائیه و ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص بیان احکام، شرایط، نحوه و کیفیت شرکت در جرم به صورت عام می‌باشد.

2. Assistant In Crime

در نظر گرفته شده است؛ مانند ماده ۵۰۴ ق.م.ا در خصوص تحریک مؤثر به عصیان رزمندگان که در قالب علی حده در قانون مجازات اسلامی آمده است. باتوجه به آنچه که بیان شد شمای از ماهیت و مصادیق معاونت در جرایم که می‌توان در جرایم امنیتی نیز بدان استناد نماییم را بررسی نمودیم و از آنجایی که بازشناسی افعال و فاعلین جرایم نقش به سزایی در بازجویی کیفری و در گردش کار نهایی دستگاه‌های امنیتی حائز اهمیت می‌باشد و این مهم در برخی موارد مغفول مانده و حتی متأسفانه به دلیل عدم اشرافیت متقن جای‌گذاری و استبدال نیز داشته است بنابراین می‌طلبید تا با واکاوی گذرا وجوه تفارق مداخله‌کنندگان در جرایم امنیتی را تبیین نماییم.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین جرایم، جرایم امنیتی و در این افعال پیچیده‌ترین و سخت‌ترین مرحله، تحقیقات مقدماتی و بازجویی است. بر همین اساس در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق و اثبات فرضیه و نیل به اهداف مقاله حاضر، بدواً ضمن تتبع مفهومی جرایم امنیتی و تدقیق نظر در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، با تشریح گونه‌شناسی این دسته از جرایم و انقسام ساختاری آن به جرایم مطلق و مقید امنیتی؛ تجزیه و انفکاک عناصر مجرمانه آن با تبیین موضوعی استحصال و نحوه آنالیز غایی و شگرد تمتع استدراج ارکان تقنینی بازجویی جرایم امنیتی اعم از جستار شکلی و ماهوی صحت مراحل بازجویی با ارائه الگوی مطلوب تقنینی در ذیل قسمت یافته‌های پژوهش ترسیم گردید و دریافتیم که چگونه با استمساک بر هندسه ارکان مجرمانه، امکان بازجویی متهمان جرایم امنیتی با محوریت نصوص مطمع نظر قانون‌گذار در راستای تبدیل فعالیت‌های اطلاعاتی به عناصر مقبول پذیرش کیفری را داشته باشیم. این شیوه بازجویی با قابلیت اشرافیت استقرایی بر پرونده‌های امنیتی، با جلوگیری از عملیات ضد بازجویی امکان جلب همکاری متهمین و یا اعمال تخفیف یا تشدید مجازات آنان را نیز براساس اهداف سازمان‌های اطلاعاتی تأمین می‌نماید و از این منظر وجه تفوق نسبت به سایر پژوهش‌های معموله را داراست چراکه در آن تحقیقات صرفاً از باب شکلی و روان‌شناسی جنایی و ... تتبع صورت پذیرفته بود و با انجام این تحقیق ماهوی، خلأ اساسی این حوزه تا حدود قابل توجهی مرتفع گردیده است. باری در این تحقیق الگوی مطلوب اصول بازجویی کیفری جرایم امنیتی که وجه متجانس ارائه فنون تقنینی زوایای مهم‌ترین مرحله دادرسی است و قابلیت تسری به افعال متحدالمنشأ امنیتی را پس از بازشناسی رکنی داراست به نحو مبسوط آنالیز گردید.

پیشنهادهای پژوهش

راهکارهای پیشنهادی این تحقیق که مبتنی بر یافته‌های پژوهش و براساس مذاقه در پرونده‌های مفتوح سازمان‌های امنیتی در دستگاه‌های ذیصلاح قضایی است، به شرح ذیل ارائه می‌شود:

* از آنجایی که سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، به تخصص حقوقی صرفاً از منظر پشتیبانی

نگاه می‌نمایند و همین امر باعث گردیده تا در سال‌های اخیر پرونده‌های امنیتی در غالب موارد به نتایج ملحوظ نظر آنان منبول نگردد؛ فلذا پیشنهاد می‌شود نسبت به ایجاد جایگاه‌های هدایت عملیات کیفری در رأس هرم موضوعات مأموریتی اطلاعاتی مبادرت گردد و در سه حوزه عملیاتی قبل، حین و بعد از اقدام کیس‌های جاری از افسران اطلاعاتی حقوق‌دان کیفری جهت مشاوره با حالیت استصوابی استفاده نمایند و این رویکرد باعث می‌شود تا ضمن جلوگیری از اطاله دادرسی و ابتر ماندن اقدامات امنیتی، زبان مشترک تبدیلی فی ما بین سازمان‌های اطلاعاتی و دستگاه قضایی بوجود آید تا موجبات نیل به اهداف سازمان‌های اطلاعاتی و اعتلای امنیت عمومی جامعه و النهایه اقتدار حاکمیت را در پی داشته باشد.

* احیای سلسله مراتب بازجویی تخصصی در سازمان‌های اطلاعاتی و استفاده از افسران اطلاعاتی مسلط به حقوق کیفری جرایم امنیتی نقش به سزایی در پیشبرد اهداف سازمان‌های امنیتی را به دنبال دارد و این مهم در اکثر سرویس‌های اطلاعاتی دنیا مرسوم بوده است و حتی قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی در ساواک با استفاده از متخصصین عالی رتبه حقوق کیفری، این سازمان مطامع خود را تحت پیگیرد قرار می‌داد.

* ایجاد رشته تخصصی حقوق اطلاعاتی در دانشگاه‌های امنیتی و تربیت افسران اطلاعاتی حقوق‌دان کیفری و بین‌الملل مطابق با نیازمندی‌های سازمان‌های امنیتی حقیقتی اجتناب ناپذیر است که در صورت انجام این مهم شاهد ارتقاء سطح توانمندی‌های سازمانی در سطح ملی و بین‌الملل خواهیم بود.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ پنجاه و ششم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- الهی منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن (زمستان ۱۳۹۳)، **تبلور حقوق شهروندی در فرایند دادرسی کیفری**، مجله علمی تخصصی قضاوت، سال چهاردهم، شماره ۸۰، صص ۸۰-۶۱.
- الهی منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن (۱۳۹۴)، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- آقایی، مجید (۱۳۸۶)، **مکاتب کیفری**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ سی ام، تهران: موسسه پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- خرسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸)، **تنوع گونه شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته ای**، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، شماره ۴، صص ۸۳-۵۷.
- ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۹)، **جهش تولید امنیت مبتنی بر ده فرمان امنیتی در بیانیه گام دوم**، فصلنامه امنیت پژوهی دانشکده علوم و فنون فارابی، شماره ۷۱، صص ۵۹-۳۱.
- شامبیانی، هوشنگ (۱۳۹۱)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد.
- شیخ الاسلامی عباس. ۱۳۹۶. **مبانی تحولات قانونی در قلمرو مداخله کنندگان در ارتکاب جرم**. فصلنامه پژوهش های حقوق کیفری، سال هشتم، شماره اول. صص ۶۱-۳۹.
- عباسی، روح الله (۱۳۹۶)، **بررسی اصول حاکم بر بازجویی از متهمان امنیتی در قوانین ایران و اسناد بین المللی**، اولین همایش بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه تهران، صص ۱۵-۳.
- عرب محبی، احمد (۱۳۷۴)، **بازجویی و مصاحبه**، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا دانشگاه علوم انتظامی.
- عوجی، محمد (۱۹۹۰)، **قانون الاجرات الجنائیه**، [بیجا]: دارالمطبوعات الجامیه.
- قانع، مجتبی (۱۳۹۷)، **۱۱۰ نکته کاربردی درباره بازجویی**، تهران: انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- کریمی، عباس (زمستان ۱۳۸۶)، **تبیین منطقی دلیل قضایی، نشریه حقوق دانشکده حقوق و علوم قضایی دانشگاه تهران**، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۱۹۷-۱۸۱.
- کوشکی، غلامحسین و علیزاده سرشت، نادر (۱۳۹۴)، **نگاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب**، پژوهش حقوق کیفری، سال دوازدهم، شماره ۴، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶)، **بایسته های حقوق جزای عمومی**، چاپ بیست و سوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶)، **بایسته های حقوق جزای اختصاصی**، چاپ چهارم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- گلدوزیان ایرج، حسین زاده پیمان. ۱۳۹۶. **بسیط در قانون مجازات اسلامی**. تهران: انتشارات جاودانه جنگل.
- لورانس لوتورمی، پاتریک کلب. ۱۳۷۹. **بایسته های حقوق کیفری فرانسه**. ترجمه محمود روح الامینی، تهران: میزان.

- مصدق محمد. ۱۳۹۲. شرح قانون مجازات اسلامی (کلیات). تهران: انتشارات جنگل.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۷۳)، حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیق آن، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۴)، تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی، پژوهش و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، سال دوازدهم، شماره ۲۸، صص ۳۰۱-۳۱۹.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۴)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ بیست و نهم، تهران: نشر میزان.
- نجابتی، مهدی و پرویزی، رضا و شفیع‌نیک، اصغر (۱۳۷۵)، تحقیقات جنایی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- نجفی ایرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، تاریخ تحولات کیفری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی (ره).
- هدایتی، علی‌رضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، تحلیل مضمون: روشی نو در تجزیه و تحلیل داده‌های اطلاعاتی، دو فصلنامه پژوهش اطلاعاتی - امنیتی، سال شانزدهم، شماره ۴۴، صص ۶۴-۳۵.
- Bentham Jeremy (1830), **The Rationale Of Punishment**, London, HeWard, Roberts
- University Of Toronto, PP 230 – 246
- Doyle William (1989), **The Oxford History Of The French Revolution**, PP 73 - 74
- Harris Seymour (1989), **Principles Of The Criminal Law**, London, PP 102 - 113
- Michela A. Turnere (2006), **Historical Dictionaries Of Intelligence And Counterinte Lligence**, No 2, The Scarecrow Press, Inc. Lanham, Maryland, Toronto, Oxford, PP 476
- Wilson, William (1996), **Dictionary Of The United States Intelligence Services**, London, Mcfurland & Company, P110